



ممانعت از قلم‌ها و بیان‌های زهر آگین!

سیدابراهیم رئیسی روز سه‌شنبه ۲۶ دی ماه در پانزدهمین مقصد از برنامه نظارت ستادی بر دستگاه‌های اجرایی، ضمن بازدید از بخش‌های مختلف وزارت فرهنگ و ارشاد اسلامی و استماع گزارش وزیر، معاونین و مدیران این وزارتخانه، آزادی اندیشه، بیان و قلم را جزو بزرگترین دستاوردها و افتخارات جمهوری اسلامی ایران دانست و مدعی شد که برخی تلاش دارند با قلم و بیان زهر آگین خود، این‌ها را مخدوش کنند و وزارت فرهنگ و ارشاد اسلامی باید از به‌ثمر رسیدن این تلاش‌ها ممانعت کند. رئیسی در ادامه به مسئله تشویق و حمایت از اصحاب فرهنگ و هنر اشاره کرد و ادامه داد: تعامل با هنرمندان و اصحاب فرهنگ و ادب، نیاز به ظرافت‌های زیادی دارد. او همچنین از مسئولان وزارت فرهنگ و ارشاد اسلامی خواست تا به وضعیت زندگی فعالان فرهنگی و هنری توجه داشته باشند و از آنان برای تامین نیازهای شان، حمایت‌های لازم را به‌عمل آورند. رئیس‌جمهور برگزاری جلسات و نشست و برخاست با اصحاب فرهنگ و هنر را در ترویج و تقویت عرصه هنر و فرهنگ، اثر بخش دانست و با ادعای اینکه در این زمینه گام‌های خوبی برداشته شده است، اشاره کرد که باز هم جای کار بیشتری وجود دارد.



کانال‌های مجازی مجوز می‌گیرند

فرشاد مهدی‌پور، معاون امور رسانه‌ای و تبلیغات وزارت فرهنگ و ارشاد اسلامی اعلام کرد، ساماندهی کانال‌ها و سامانه‌های خبری انتقافی است که توسط هیئت نظارت بر مطبوعات شکل گرفته است. فارس ضمن اعلام این خبر نوشت، مهدی‌پور در رابطه با این طرح توضیح داد: «یکی از تکالیفی که ما در آیین‌نامه قانون مطبوعات مصوب سال ۱۳۹۵ شورای عالی فضای مجازی داریم؛ ساماندهی سامانه‌های خبری، کانال‌ها، کارافزارها و درگاه‌هایی است که به هر شکلی اقدام به تولید محتوا و کار خبری می‌کنند، این کار در دستور کار قرار گرفته و درگاه آن ۳ هفته پیش در سامانه ایران رسانه باز شده است. «مهدی‌پور افزود: «الان این سامانه باز و فعال بوده و رسانه‌های مختلف خبری مانند خبرگزاری‌ها، پایگاه‌های خبری، روزنامه‌ها و مجلات با دسته‌بندی‌های مختلف می‌توانند در این سامانه ثبت‌نام کنند تا از حمایت‌های حقوقی آن برخوردار شوند.»



اعلام رسمی خرید حق پخش بازی‌ها

سایات روابط‌عمومی صداوسیما گفت‌وگویی از مجید بلالی، مدیرکل امور تأمین کالا و خدمات سازمان صداوسیما منتشر کرده که در آن درباره خرید حق پخش رقابت‌های جام ملت‌های آسیا گفته است. بلالی با تأکید بر اینکه حق پخش بازی‌های جام ملت‌های آسیا را خریداری کرده‌اند، گفته است: «یکی از شبهاتی که به خرید حق پخش وارد شده، این است که نام سازمان صداوسیما به‌عنوان پخش‌کننده مسابقات در سایت AFC ثبت نشده است.» او در گفت‌وگویی با جام‌جم - روزنامه ارگانی صداوسیما - توضیح داده است: «بنا به برخی ملاحظاتی که در عرصه بین‌المللی وجود دارد، واحد برگزارکننده مسابقات، اسم سازمان صداوسیما ایران را در سایت‌شان قرار نداد؛ ولیکن با ما همکاری دارند. این رویه جدیدی نیست و در سال‌های گذشته هم برای دیگر رویدادها وجود داشته است. قرارداد طبق تفاهمی میان کنفدراسیون فوتبال آسیا، فدراسیون فوتبال جمهوری اسلامی ایران و سازمان صداوسیما منعقد و اجرایی شده است. سازمان صداوسیما حق پخش را رسماً خریداری و هزینه آن را پرداخت کرده است.»

مواجهه‌های دیگرگون با برشت

گفتارهایی درباره کتاب
«آنتیگونه به روایت برتولت برشت و دو داستان»
نوشته برتولت برشت، آلفرد دُبلین و ژلف هُخهوت
با ترجمه محمود حدادی

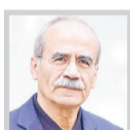


کتاب
تئاتر

که اصلاً منظور برشت نمایشنامه روایی است، نه نمایشنامه حماسی. ترجمه آثار برشت در ایران شامل اشتباهات دیگری جز این هم بود که بیش از این به آن‌ها نمی‌پردازم اما این یکی از دلایلی بود که به‌شخصه سراغ ترجمه آثار برشت نمی‌رفتیم. دلیل دیگر این که در ایران در مورد برشت، دوره تفکر سیاسی او و تعلق‌اش به مارکسیست، بیشتر مطرح بود. طرز تفکری که به دوران جوانی و خوش‌بینی برشت مربوط است در حالی که برشت دوره‌ای از بدبینی نیز در زندگی‌اش دارد. به‌عقیده من کسانی که می‌خواهند از برشت ترجمه کنند، نظر به تجربیات ما در دهه‌های اخیر، بهتر است سراغ آثاری از او بروند که نمایانگر گوشه‌ای از بدبینی اوست. من ترجمه کتاب «آنتیگونه به روایت برتولت برشت و دو داستان» نوشته برتولت برشت، آلفرد دُبلین و ژلف هُخهوت را به پیشنهاد نشر افق انجام دادم و برای آن که جنبه سیاسی برشت را کمی فرو بکاهم، تعریف یوهان کریستین فریدریش هولدرلین را از تراژدی بر مبنای نمایشنامه «آنتیگونه» سوفکل در پیشگفتار آوردم. هولدرلین هم‌دوره هگل با گرایش‌هایی فلسفی است و در دوره‌ای از جنون خود به شطحیات گرایش داشته است. ترجمه هولدرلین اندکی دشوار است و مترجمان آلمانی زبان، کسانی که هولدرلین ترجمه می‌کنند غالباً تنها و محروم از حضور کسانی هستند که بتوانند با آن‌ها مشورت کنند. برای همین امیدوارم آن‌چه از او در پیشگفتار آورده‌ام، برای خوانندگان قابل درک باشد. تعریفی که او از تراژدی ارائه می‌دهد در پیوند با زمان است که پیوسته در تحول و دگرگونی است. من برای آن که ترجمه‌ام از تعریف هولدرلین از تراژدی به آن‌چه او در زبان آلمانی گفته است نزدیک‌تر باشد، مفهوم کلیدی تفکرات او را به‌عینه با واژه آلمانی آوردم که ترجمه آن می‌شود: «روح سیلابی زمان؛ روحی تحول‌خواه که دامان آنتیگونه را می‌گیرد و از او می‌خواهد تا شرایطی را که بر او تحمیل شده است، با فشاندن جان خود متحول کند. برتولت برشت کوتاه‌زمانی بعد از جنگ جهانی دوم به آلمان برگشت و آلمان تازه رهاشده از تفکری غیرانسانی و فاشیستی، تا حدی حائز جنبه‌های سیاسی بودن «آنتیگونه به روایت برتولت برشت» را توجیه می‌کند. ضمن این که برشت حتی در آن جاهایی که به غلط‌های هولدرلین در ترجمه‌اش از سوفکل می‌پردازد، غلط‌های او را عیناً در ترجمه‌هایش می‌آورد که تا حد ممکن به هولدرلین نزدیک باشد. این را هم بگویم که هولدرلین ترجمه سوفکل به آلمانی را در آغاز دورانی از جنونش انجام داده است. ترجمه‌ای آهنگین و فاخر که هم دچار اغلاط نگارشی است، هم اغلاطی ناشی از مه‌گرفتگی ذهن هولدرلین. در نتیجه ترجمه او جابه‌جا دچار اشتباهاتی است که برتولت برشت همان اشتباهات را هم به‌عنوان میراث هولدرلین ذکر کرده است.

برشت در ایران، قربانی مترجمان تفتنی

محمود حدادی
مترجم «آنتیگونه به روایت برتولت برشت و دو داستان»
کانون صحبت‌های من دیدگاه گوته در مورد «آنتیگونه» ی سوفکل است، اما می‌خواهم در مقدمه توضیحی در مورد برشت و ترجمه آثار او در ایران دهم. آلمان دو درام‌نویس مصلح دارد که یکی، گوتهلد افرایم لسنینگ است متعلق به قرن هجدهم و دوران روشنگری و دیگری برتولت برشت است که در نیمه اول قرن بیستم زندگی می‌کرد. این دو درام‌نویس را می‌توان درام‌نویسان مصلح، درام‌نویسانی با گرایش به ادبیات آموزشی نامید. تفاوت این دو درام‌نویس در آن است که لسنینگ، عاطفه را مبنای تأثیر بر تماشاگر می‌داند و مبنای درام‌تورزی او ارتباط عاطفی میان هنرپیشگان روی صحنه و تماشاگر بود اما برشت برعکس بر تعقل و برقراری ارتباطی منطقی میان بازیگران و تماشاگران تأکید داشت. منتها نه لسنینگ بر عاطفه مطلق تکیه می‌کرد، نه برشت بر تعقل محض. به‌این‌معنا که عناصری از تعقل در نظریات لسنینگ و عناصری از عاطفه در آثار برتولت برشت قابل مشاهده است. من به‌شخصه از ترجمه آثار برتولت برشت اجتناب می‌کردم چراکه از یک‌سو کسان دیگری این کار را انجام داده بودند و از سوی دیگر ایراداتی را بر خوانندگان آثار برشت در ایران وارد می‌دانستم. مقام مترجم در ایران به‌گونه‌ای است که می‌توان از ده‌ها فرد مترجم‌ناشنده سراغ گرفت. چرا که از ترجمه، نانی به دست نمی‌آید و بسیاری نمی‌توانند به‌صورت مستمر ترجمه کنند؛ در نتیجه اگر هم ذوقی دارند شرایط ترجمه در ایران، دستگاه ممیزی، روند چاپ و... موجب می‌شود کمتر سراغ این کار بروند. پس مترجمانی شکل می‌گیرند که می‌توان مترجمان تفتنی نامیدشان؛ کسانی که یکی، دو اثر ترجمه می‌کنند و به‌وادی دیگری می‌روند. به‌نظر من، برشت در ایران بسیار قربانی این ترجمه‌های تفتنی شده است. پایه نظریه برشت برای شکل دادن به نمایشنامه آن است که نمایشنامه براساس روایت شکل بگیرد تا این که بخواهد صحنه را با اسبابی غیر از آن بیارابد و بر عاطفه تماشاگر تأثیر بگذارد. کاری که او می‌کند، چیزی شبیه تعزیه است و بیشتر می‌کوشد آن‌چه را که می‌خواهد به ما القاء کند، تا این که بخواهد به‌واسطه آراستن صحنه، آن را به ما بیاراند و نمایش دهنده و بازیگر را غرق در نقش کند. با این وجود، مترجمان ما اپیک را به‌جای روایی، حماسی ترجمه کرده و برای بیش از ۱۰ سال تصور می‌کردند که نمایشنامه‌های برشت، حماسی است. آن‌ها حتی به جمله بسیار معروف برتولت برشت - بدبخت ملتی که نیاز به قهرمان داشته باشد - هم توجه نمی‌کردند. این جمله‌ای بسیار معروف از برشت است و نه مترجم، نه خواننده هیچ‌کدام به این نکته توجه نمی‌کردند که این جمله چه ارتباطی می‌تواند با نمایشنامه‌ای که می‌گویند حماسی است، داشته باشد. بعدها معلوم شد



نرگس کیانی
خبرنگار گروه فرهنگ

کتاب «آنتیگونه به روایت برتولت برشت و دو داستان» نوشته برتولت برشت، آلفرد دُبلین و ژلف هُخهوت که با ترجمه محمود حدادی توسط نشر افق منتشر شده است، اولین عنوان نمایشنامه از مجموعه «بوطیق‌های نو» است که این ناشر چاپ می‌کند. «آنتیگونه» تراژدی معروف سوفوکل، نمایشنامه نویسی یونانی است. از «آنتیگونه» سه روایت در یونان باستان وجود داشته اما آن‌چه به‌جا مانده، تراژدی سوفوکل است که تفاوت‌هایی با روایت اورپید، دیگر تراژدی نویسی یونانی دارد. طبق روایت سوفوکل، آنتیگونه دختر اودیپ، شاه تبا و خواهر اتئوکلس، پولونیکس و ایسمنه است. پدر آنتیگونه پس از گناهی ناخواسته که در تراژدی دیگر سوفکل؛ «اودیپ» شرح آن آمده است، تن به تبعید می‌دهد. آنتیگونه همراه اودیپ می‌رود و پدر و دختر به حریم مقدس پوسئیدون در کولونوس می‌رسند تا این‌که خیردار می‌شوند، برادران، اتئوکلس و پولونیکس به نزاع برخاسته‌اند و کرئون، دایی‌شان که از اتئوکلس دفاع می‌کند مایل است اودیپ به تبا بازگردد، زیرا طبق یک پیشگویی، حضور اودیپ موجب پیروزی کسی می‌شود که به او پناه بدهد. اودیپ از بازگشت امتناع می‌کند. کرئون دو خواهر را می‌باید تا اودیپ را مجبور به همکاری کند و خواهرزاده موردعلاقه خودش یعنی اتئوکلس را بر تخت بنشانند. اودیپ در تبعید از دنیا می‌رود. پس از مرگ پدر، آنتیگونه و ایسمنه داوطلبانه به تبا برمی‌گردند اما دیگر دیر شده و دو برادر در جنگ تن‌به‌تن با یکدیگر کشته شده‌اند. کرئون، اتئوکلس را با تشریفات دفن می‌کند اما پولونیکس را خائن می‌داند و جسدش را رها می‌کند تا بپوسد و این‌گونه مورد بی‌احترامی قرار بگیرد. آنتیگونه بی‌حرمتی به جنازه برادر را بر نمی‌تابد و شبانه جنازه‌اش را دفن می‌کند.

برتولت برشت، کارگردان و نمایشنامه‌نویس آلمانی براساس ترجمه فریدریش هولدرلین از تراژدی «آنتیگونه»، برداشت‌هایی نوشته است که در کتاب «آنتیگونه به روایت برتولت برشت و دو داستان» با داستان‌هایی از آلفرد دوبلین و ژلف هُخهوت همراه و در قالب کتابی با ترجمه محمود حدادی، توسط انتشارات افق منتشر شده است. عناوین بخش‌های تشکیل‌دهنده کتاب «آنتیگونه» به روایت برتولت برشت و دو داستان»، به این ترتیب‌اند: «سوفوکل و تراژدی آنتیگونه»، «مفهوم تراژدی از دید هولدرلین»، «آنتیگونه (شعر)»، «آنتیگونه»، «پیش‌پرده»، «آنتیگونه (نمایشنامه)»، «ساعت ادبیات»، «آنتیگونه برلین» و «پی‌نوشت‌ها». این کتاب در ۱۲۰ صفحه، با شمارگان ۵۰۰ نسخه و قیمت ۱۱۵ هزار تومان منتشر شده است. «آنتیگونه به روایت برتولت برشت و دو داستان» در جلسه‌ای که با حضور محمود حدادی؛ مترجم، محمد چرمشیر؛ نمایشنامه‌نویس و مدرس تئاتر و فارس باقری؛ نمایشنامه‌نویس، مدرس و منتقد تئاتر در فروشگاه فرهنگان قریب برگزار شد، مورد نقد و بررسی قرار گرفت و آن‌چه در ادامه می‌خوانید گزارشی از این نشست است.